

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الطبعة

ویشتره نامه شهادت امام صادق

پیشوای صداقت



معاونت فرهنگی تبلیغی

اداره کل امور فرهنگی

فهرست مطالب:

- | | | | |
|----|---------------------|---|-------------------------|
| ۹ | ♦ آرامش بخش دل ها | ۱ | ♦ داغ شیعه در غربت بقیع |
| ۱۰ | ♦ حرکت تشکیلاتی | ۲ | ♦ پیشوای صداقت |
| ۱۱ | ♦ از معرفت تا اطاعت | ۴ | ♦ حیات طیبه |
| | | ۶ | ♦ آیه های زندگی |

داغ شیعه در غربت بقیع

)

غروب غریبیت؛

در لابه لای دقیقه های خاکی بقیع قد می کشد.

مدینه، با التهاب به مدار پرواز کبوتران دست می برد تا مردم،
آیه های زخمی نشناختنت را به دوش بکشند و عذر نیاورند.

زمین، آبستن اشک می شود.

خورشید، قد خم می کند و دست های ملتمس عرشیان، همگام با فرشیان، شعر بی قراری را در آغوش می کشند.

داغ در گلوی شیعیان منتشر می شود تا بلوغ ابری بقیع را نظاره کنند.

نبض تاریخ به هم خورده است.....

نبض تاریخ، به هم خورده است. دشمنان، با زهرشان، قلب تو را نشانه رفته اند.

با این بدبختی عمیقی که فراهم کرده اند، نه تنها به ساحت سبزه راه نیافته اند، که آتش جهنم خودشان را شعله ورتر ساخته اند. اینان، سپاهیان شیطانند که از دهلیزهای پریچ و خم جهالت سردرآورده اند. اینان می خواهند آینه امامت را بشکنند؛ ولی دیری نخواهد پایید که مذلت و

سرافکنندگی خویش را در قامت «وجه یومئذ خاشعه» تجربه خواهند کرد.

هنوز هم دنیا، از شکوه جاری تو وام می گیرد. هنوز هم خورشید، از چشمان تو تقلید می کند. دانشگاه، به نام تو زنده است؛

حوزه از زلال دانش تو آب می خورد و عطش دانش اندوزی راهیان عشق، با کلام تو سیراب می شود.....

پیشوای صداقت

۲

امام صادق علیه السلام در سال ۱۱۴ ه.ق به امامت رسیدند. دوران امامت آن حضرت مصادف بود با اوایل حکومت عباسیان که از سال ۱۳۲ ه.ق شروع شد. در یک دسته بندی، زندگانی امام صادق علیه السلام را می توان به سه بخش کلی تقسیم نمود.

الف) زندگانی امام علیه السلام در دوره امام سجاد و امام باقر علیه السلام که تقریباً نیمی از عمر حضرت را به خود اختصاص می دهد. در این دوره امام علیه السلام از علم و تقوا و فضیلت آن دو امام همام علیه السلام در حد کمال بهره مند شدند.

ب) قسمت دوم زندگی امام سال ۱۱۴ هجری تا ۱۴۰ هجری می باشد. در این دوره امام علیه السلام از فرصت مناسبی که به وجود آمده، استفاده نمودند و مکتب جعفری را به تکامل رساند. در این مدت، شاگردان زیادی تحویل جامعه دادند و علوم و فنون بسیاری را که جامعه آن روز تشنه آن بود، به جامعه اسلامی ارزانی داشتند.

ج) هشت سال آخر عمر امام علیه السلام قسمت سوم زندگی ایشان را تشکیل می دهد. در این دوره، امام علیه السلام بسیار تحت فشار و اختناق حکومت منصور عباسی قرار داشتند. در این دوره امام علیه السلام دائماً تحت نظر بودند و مکتب جعفری عملاً تعطیل گردید.^۱

دوران امامت امام ششم علیه السلام مصادف با دوران ضعف مفرط امویان، انتقال قدرت از امویان به عباسیان و آغاز خلافت عباسیان است. امام با حسن استفاده از این فترت و ضعف قدرت سیاسی، به بسط و اشاعه معارف دینی همت می گمارد اما وقتی منصور عباسی به خلافت رسید، دوران اختناق بر شیعیان شروع شد. وی قصد داشت که همه شخصیت های برجسته خاندان حضرت علی علیه السلام را از سر راه خود بردارد به همین علت، بارها امام

^۱ -الارشاد، شیخ مفید، ص ۲۸۹

را به حضور طلبیده و ایشان را مورد بازجوئی قرار داد. منصور به خوبی می دانست که پیشوای ششم شیعیان، مرکز ثقل مبارزات اسلامی به شمار می روند و همواره از فعالیت امام صادق علیه السلام سخت نگران بود.^۱ محبوبیت عمومی و عظمت علمی امام صادق علیه السلام بر این بیم و نگرانی می افزود.

« روزی منصور دوانیقی به امام صادق علیه السلام نوشت: چرا مانند دیگران نزد ما نمی آیی؟ امام علیه السلام در پاسخ نوشت: ما (از لحاظ دنیوی) چیزی نداریم که برای آن از تو بیمناک باشیم و تو نیز از جهات آخری چیزی نداری که به خاطر آن به تو امیدوار گردیم و... منصور نوشت: بیایید مارا نصیحت کنید. امام علیه السلام پاسخ داد: اگر کسی اهل دنیا باشد تو را نصیحت نمی کند و اگر هم اهل آخرت باشد پیش تو نمی آید.^۲ به همین دلیل منصور به تکریم و احترام به دیگران پرداخت تا امام را تحقیر کند. سخنگوی بنی عباس در شهر مدینه اعلام کرد که: « جز مالک بن انس و ابن ابی ذئب کسی حق ندارد در مسائل اسلامی فتوا بدهد.»^۳

به دنبال این جریان، حکومت وقت با تمام امکانات خود به طرفداری از مالک و ترویج و تبلیغ وی پرداخت تا از این رهگذر، مردم را از مکتب امام صادق علیه السلام دور کند.

منصور بعد از این که متوجه شد نمی تواند از نظر علمی و شخصیتی امام صادق علیه السلام را مغلوب سازد به فکر حذف و شهادت آن حضرت افتاد، تا این که بعد از چندین مرتبه که شبانه به منزل آن حضرت یورش بردند و ایشان را در دل شب از منزل بیرون کشیدند و به تبعید مجبور ساختند، بالاخره در بیست و پنجم شوال سال ۱۴۸ به وسیله سم، آن امام بزرگوار را مسموم و به شهادت رسانیدند.^۴

^۱ - مجلسی در بحار الانوار فصل مستقلی را به برخورد های میان امام صادق علیه السلام و منصور اختصاص داده است . ر.ک : ج ۴۷، ص ۲۱۲-۱۶۲

^۲ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۸۴.

^۳ - ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۳۵.

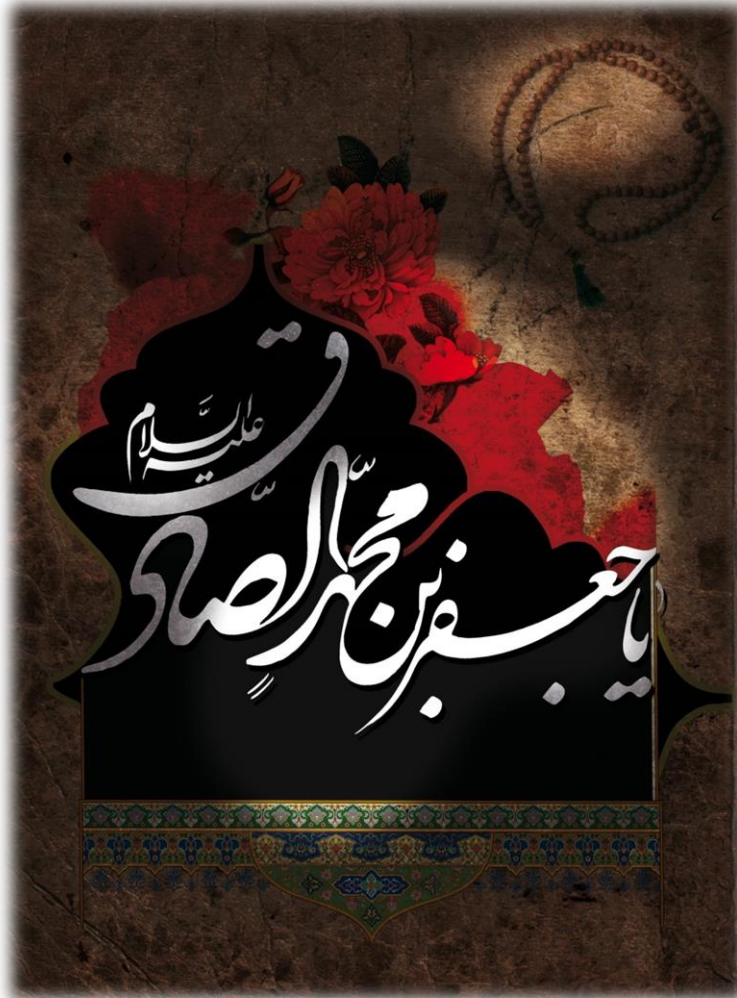
^۴ - عقیقی بخشایشی، دورنمایی از زندگانی امام صادق علیه السلام، ص ۳۰۹.

سبک زندگی امام صادق علیه السلام

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می دهد. یک نقطه ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدف را باید ترسیم کنیم – هدف زندگی را- و به آن ایمان پیدا کنیم. از امام صادق علیه السلام پرسیدند زندگی خود را بر چه بنا کردی؟ فرمودند: بر چهار اصل: دانستم رزق مرا دیگری نمی خورد، پس آرام شدم؛ دانستم که خدا مرا می بیند، پس حیا کردم؛ دانستم که کار مرا دیگری انجام نمی دهد، پس تلاش کردم؛ دانستم که پایان کارم مرگ است، پس مهیا شدم.^۱

این امام بزرگوار علیه السلام در دوران زندگی؛ بیش از دیگر امامان فرصت پیدا کردند که معارف اهل بیت علیهم السلام را به دل های مشتاق برسانند. اشتباه است اگر کسی خیال کند همه ی آن هزاران نفری که از امام صادق علیه السلام درس آموختند، شیعیان و معتقدان به امامت آن بزرگوار بودند؛ نه، بسیار بودند که به امامت امام صادق علیه السلام آن چنان که شیعه معتقد است، معتقد نبودند؛ اما از دانش امام صادق علیه السلام و از معارف اسلامی که در اختیار آن بزرگوار بود استفاده می کردند. در روایات ما بسیار است روایاتی که راویان آنها از اهل سنت اند- از غیر شیعه هستند- اما از حضرت صادق علیه السلام نقل روایت می کنند. معنای این حرف این است که امروز هم دنیای اسلامی و هم امت اسلامی نیازمند معارف امام صادق علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است.

^۱ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۲۸



دنیای اسلام محتاج دانستن معارف اهل بیت علیهم السلام و تعالیم امام صادق علیه السلام است؛ باید استفاده کنند. قشرهای مختلف امت اسلامی، به این وسیله باید با یکدیگر هم افزایی کنند تا سطح معارف اسلامی بالا برود. لازمه ی این کار این است که خصومت، دشمنی و کینه ورزی میان فرقه های مسلمان فاصله نیندازد؛ وحدت اسلامی که می گویند یعنی این.^۱

آیه های زندگی

۶

قرآن در نگاه امام صادق علیه السلام

روزی که رسول خاتم صلی الله علیه و آله دو وزنه سنگین و دو میراث گرانبها (قرآن و عترت) را به مردم معرفی کرد و برای نجات از گمراهی، تمسک به (ثقلین) را توصیه فرمودند، اهل بیت علیهم السلام خویش را نیز به عنوان قرآن شناسان آگاه معرفی کردند، تا پس از او، امت از ائمه علیهم السلام الهام بگیرند و شاگردی عترت را با افتخار بپذیرند. صادق آل محمد علیهم السلام درباره قرآن و شیوه بهره گیری از آن و جایگاه کلام الهی، سخنان نغز بسیاری دارند که در این نوشته به اختصار به برخی از محورهای تعالیم و توصیه های حضرتش اشاره می کنیم، باشد که جامعه ی قرآنی و ولایی ما، از حضرت صادق علیه السلام سرمشق بگیرد و از چشمه ی هدایت قرآنی، جان عطشناک خویش را سیراب سازد.

عهد نامه الهی

قرآن، عهدی استوار میان خدا و مردم است، باید در عهد نامه نگریست، به آن باید پایبند بود، مفاد آن را نباید زیر پا گذاشت. امام صادق علیه السلام درباره ی این عهد نامه و لزوم تلاوت بخشی از آن در هر روز، چنین می فرمایند: « قرآن عهد خداوند به بندگان اوست. سزاوار است که یک مسلمان در این عهد نامه الهی بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.^۱ ». روشن است که مرور بر مفاد یک عهدنامه، برای یادآوری یک قرارداد و رعایت آن در عمل است. میثاق خدا با بندگان، و برطرف کننده نیاز های فکری، هدایتی و اجتماعی مردم است .

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹

همیشه زنده و شاداب

غیر از احکام قرآن و حلال و حرام آن که ابدی است، خود این کتاب ژرف و فصیح و متین نیز با گذشت زمان کهنه نمی شود و پیوسته معارف آن برای همه ی اقشار در همه زمان ها درخشندگی و آموزندگی دارد. امام صادق علیه السلام در حدیثی به رمز و راز این جاودانگی و طراوت همیشگی در کلام خدا اشاره دارد. مردی از آن حضرت می پرسد: چرا قرآن با نشر و درس و بررسی، تازه تر و شاداب تر می شود و هرگز کهنه نمی شود؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ می فرماید: «برای این که خدای متعال آن را برای زمانی خاص یا مردمی خاص قرار نداده است. از این رو قرآن در هر زمانی تازه است و نزد هر قومی شاداب است تا روز قیامت.^۱» طراوت و تازگی قرآن برای همه و همیشه، به خاطر آن است که معجزه ی جاوید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کلام الهی است و در هر عصری پاسخگوی نیاز های مختلف مردم است.

حفظ، آموزش و عمل

گرچه تلاوت قرآن و حفظ کردن آیات آن ثواب دارد و ارزشمند است ولی تکلیف مسلمانان در این حد خلاصه نمی شود. حفظ کردن باید با عمل باشد و یاد دادن و یاد گرفتن به قصد اجرای فرموده های خدای متعال. حضرت صادق علیه السلام فرموده اند: «کسی که حافظ قرآن و عمل کننده ی به آن باشد، همراه با سفیران، والامقام و نیکوکار الهی (فرشتگان مقرب) خواهد بود.»^۲ بسیاری آنان که در شکل و ظاهر به قرآن می پردازند ولی در ورای جلوه های ظاهری قرآنی، عمل به قرآن برایشان مطرح نیست.

^۱ - بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۵

^۲ - الحیاه، ج ۲، ص ۱۵۲

باید بدانیم این گونه برخورد تشریفاتی و مراسمی و شکلی با قرآن، در شأن کلام الهی و منشور آسمانی نیست. امید است که درسایه رهنمودهای حضرت صادق علیه السلام با چشمه‌ی وحی الهی آشنا تر شویم و (قرآنی) بیندیشیم و (قرآنی) زندگی کنیم.



آرامش بخش دل ها

نماز، عبادت برگزیده خداوند و دربردارنده‌ی بهترین راه هدایت انسان است. با مراجعه به سیره و سنت امام صادق علیه السلام دیدگاه ایشان درباره سبک شماری نماز تشریح می‌شود. یکی از مهمترین احادیث در زمینه‌ی نماز، حدیثی است که همسر امام علیه السلام نقل می‌کنند. ابوبصیر می‌گوید: روزی خدمت ام‌حمیده همسر امام علیه السلام رسیدم تا رحلت امام علیه السلام را به ایشان تسلیت بگویم. ام‌حمیده فرمودند: امام صادق علیه السلام به هنگام وفات چشمان مبارک را گشودند و فرمودند: «با هرکه قرابت و بستگی دارم، به نزد من گرد آورید.» ما همگان را حاضر ساختیم، امام به آنان نگریستند و فرمودند: «بدرستی که شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی‌رسد.»^۱ امام علیه السلام درجایی دیگر می‌فرمایند: «نخستین چیزی که از بنده حساب رسی می‌شود نماز است، پس اگر نماز پذیرفته شد اعمال دیگر نیز پذیرفته می‌شود، چنانچه نمازش رد شود بقیه اعمال او هم قبول نخواهد شد.»^۲ این وصیت امام علیه السلام دلیل آن است که در آئین اسلام، نماز جایگاهی مهم دارد، طوری که امام در آخرین لحظه‌های زندگی از میان هزاران مسئله، فقط نماز را سفارش می‌کند و جز این نیست که برای امام صادق علیه السلام هادی امت و پاسدار دین، نماز از اهمیت فراوانی برخوردار است.

^۱-سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۹.

^۲-وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲.

امام صادق علیه السلام مرد علم و دانش، مرد مبارزه، مرد تشکیلات^۱

امام صادق علیه السلام مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش و مرد تشکیلات بود. مرد علم و دانش بودنش را همه شنیده اید. محفل درس امام صادق علیه السلام و میدان آموزشی که آن بزرگوار به وجود آورده بودند، هم قبل و هم بعد از ایشان در تاریخ زندگی امامان شیعه بی نظیر بود. همه‌ی حرفه‌های درست اسلام و مفاهیم اصیل قرآن که در طول یک قرن و اندی به وسیله‌ی مغرضان و مفسدان یا جاهلان تحریف شده بود، همه‌ی آنها را امام صادق علیه السلام به شکل درست بیان کرد. اما مرد مبارزه بودنش را کمتر شنیده‌اید. امام صادق علیه السلام مشغول یک مبارزه‌ی دامنه‌دار و پیگیر بود. مبارزه برای قبضه کردن حکومت و قدرت و به وجود آوردن حکومت اسلامی و علوی. یعنی امام صادق علیه السلام زمینه را آماده می‌کرد تا بنی‌امیه را از بین ببرد و به جای آنها حکومت علوی را که همان حکومت راستین اسلامی است بر سر کار بیاورد. اما آن بعد سوم را که اصلاً نشنیده‌اید، مرد تشکیلات بودن امام صادق علیه السلام است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود.

تشکیلات یعنی چه؟ یعنی این که وقتی امام صادق علیه السلام اراده می‌کند آن چه را که او می‌خواهد [مردم] بدانند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوهات و بودجه برای اداره‌ی مبارزه‌ی سیاسی عظیم آل علی علیهم السلام جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام صادق علیه السلام به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند.

^۱ -بیانات مقام معظم رهبری انقلاب پیرامون عنصر جهاد، مبارزه و قیام در زندگی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۸۹/۱۲/۰۲

از معرفت تا اطاعت

۱۱

آیا توجه داریم که امام در زندگی و احوال وجودی ما موثر است؟ اگر می دانیم که موثر است، رابطه خود را با او چگونه باید تنظیم کنیم؟ پاسخ ما به سوال اول، توجه به دو حقیقت درباره امام است: امام واسطه‌ی رسیدن همه خوبی‌ها به ماست و تربیت معنوی ما تنها به دست اوست. اکنون این سوال مطرح می‌شود که پیوند ما با معصومین علیهم‌السلام از چه جهاتی باید باشد تا این بهره‌مندی به اوج خود برسد. این پیوند و حرکت را می‌توان در سه مرحله تصویر کرد:

۱- معرفت:

اولین وظیفه‌ی ما در قبال معصومین علیهم‌السلام، شناخت و معرفت نسبت به ایشان است، زیرا تا انسان کسی را نشناسد نمی‌تواند هیچ‌گونه رابطه‌ای، اعم از ظاهری یا باطنی، با او برقرار کند. بنابر این نخستین پیوند ما با معصومین علیهم‌السلام پیوند معرفتی است. این پیوند در سطوح مختلفی قابل تحقق است و از شناخت سطحی و به اصطلاح "شناسنامه‌ای" آغاز می‌شود و به مراتب عالی معرفت و درک جایگاه او در کل هستی، منتهی می‌گردد.

۲- محبت:

انسان موجودی کمال طلب است و لذا در هر کجا و هر کس کمالی ببیند، به سمت آن کشش خواهد داشت و به آن علاقمند خواهد شد. حال شکی نیست که معصومین علیهم‌السلام کامل‌ترین انسانها و مجمع‌همه‌ی فضایل هستند، بنابراین شناخت و معرفت نسبت به آنها، محبت را در دل شعله‌ور می‌سازد. بدین ترتیب، دومین پیوندی که انسان با معصومین علیهم‌السلام می‌یابد پیوند محبت و مودت است.

امیرالمومنین علیه السلام در این زمینه می فرماید: " بر شما باد دوستی خاندان پیامبرتان که همانا این حق خدا بر شماست و حق شما را بر خدا لازم می کند، مگر نمی بینید گفتار خداوند تعالی را که : بگو از شما برای رسالتم مزدی را درخواست نکنم جز دوستی نزدیکان خود"^۱ . در این حدیث، محبت اهل بیت علیهم السلام صراحتاً بر مردم واجب شمرده شده و به آیهی ۴ سوره شورا استناد شده است.

۳- اطاعت:

سومین جهتی که انسان باید در آن با معصومین علیهم السلام ارتباط داشته باشد، اطاعت و پیروی از ایشان است. این پیوند از جهتی ناظر به چرایی ارتباط با معصومین علیهم السلام است و از جهت دیگر در ارتباط با دو پیوند دیگر است. بنابراین شیعیی واقعی کسی است که به ائمه معصومین علیهم السلام معرفت و محبت دارد، ولایت ایشان را می پذیرد و از اوامر و نواهی ایشان پیروی کامل دارد. از همین رو انسان برای این که خود را در معرض الطاف و عنایات ویژهی معصومین علیهم السلام قرار دهد ، باید علاوه بر شناخت و محبت ایشان ، از دستورات و فرامین ایشان پیروی نماید و از آن چه نهی نموده اند دوری کند.

^۱ - غررالحکم ، آمدی ، ص ۱۱۷ ، ح ۲۰۴۱

عليه السلام



من أحب لله و أبغض لله و أعطى لله فهو ممن كمل إيمانه.
امام جعفر صادق (ع): هر که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای
خدا عطاء کند از کسانی است که ایمانش کامل است.